درمکتب امام

ابرقدرت حقیقی

تمام قدرت، قدرت خداست و باید اتکال به او بکنید، و خودتان را فانی بکنید در آن قدرت بزرگ. مادامی که ملت ایران همان قدرت اول را کـه قدرت معنوی بود و با الله اکبر پیش برد، مادامی که این حفظ بشـود شما بیمه هستید؛ بیمه الهی هستید. خدا نکند که دست‌هایی که الان در کار هست و می‌خواهند شما را مأیوس بکنند، اینها در این شیطنتشان پیروز بشوند، و شما را از آن حالی که در اول انقلاب داشتید منحرف کنند، که آن روز، روزی است که خدای تبارک و تعالی عنایتش را خدای نخواسته از شما بر می‌دارد.

صحیفه امام؛ ج۱۲؛ ص۳۸۰ | جماران؛ ۱۴ خرداد ۱۳۵۹

قدرشناسی نعمت امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی؛ چرا و چگونه؟

خداوند از فضل خود انسان را آفریده و امتیازاتی به وی داده که به سایر مخلوقات نداده است، به‌خاطر همین ویژگی‌ها و امتیازات است که لقب خلیفه الله را به انسان قبل از خلقتش عطا کرده اسـت. البته برای تکامل و رسیدن به این مقام نیز همه وسایل لازم از جمله فطرت، انگیزه و عقل را به وی بخشیده است.

انسـان دارای نقص‌ها و کمبودهایی است که باید با تلاش خود در جهت رفع آنها بکوشد، در بین نقص‌ها، برخی ریشه‌ای‌تر و منشأ نواقص دیگرند که جهل، غفلت و فراموشی از جمله این نقص‌هایند. در واقع انسان نسبت به یک سری امور جاهل اسـت و غفلـت دارد و حتی بعد از تلاش و زحمـت برای رفع جهل و غفلت، آفت فراموشکاری، وی را تهدید می‌کند.

همه ما به فراموشی نعمت‌های خداوند مبتلا هستیم؛ لذا خداوند متعال از خود، قرآن و حتی پیامبر(ص) به«ذکر» تعبیر کرده اسـت که ذکر به معنای «یادآوری» اسـت؛ در واقع قرآن نوعی یادآوری برای بشـر است، و چنین نیست که لزوما بشر اموری را بلد نباشد و قرآن به او بیاموزد، بلکه در بسیاری از موارد یادآوری است تا مبادا آنچه می‌داند به فراموشی سپرده شود.

شناخت خداوند و دین؛ برترین نعمت‌ها

نعمت‌های الهی بسیار زیاد بوده و قابل شمارش نیستند، اما برخی از نعمت‌ها مهم‌تر و منشأ نعمت‌های دیگرند، نعمت شناخت خداوند از همه نعمت‌ها برتر و بالاتر است و همچنین است شناخت راهی که به سوی کمال باید پیمود. برای انسان جاهل، علف هرز و گیاه دارویی شفابخش یکسان است؛ انسان هم باید با خود بیندیشد که آیا او علف هرز است و یا موجودی شفابخش برای جامعه؟ از این رو شناخت خداوند و شناخت مسیر کمال بسیار اهمیت دارد.

گاه انسان در جامعه تبدیل به عامل خطرناکی مانند شمر و صدام می‌شود؛ گاه نیز فردی مانند سلمان از ایران به حجاز می‌رود و پیامبر(ص) را می‌یابد و به جایی می‌رسد که رسول خدا(ص) فرمود: «سلمان منا اهل‌البیت»؛ اگر سلمان تنها به فکر شـکم و نیازهای مادی خود بود، هرگز سلمان نمی‌شد؛ اما چون خود را شناخت و ارزش خود را دانست، برای شناخت مسیر تکامل به حجاز رفته و به سلمان محمدی تبدیل شـد. لذا هر کسی باید با خود بیندیشد که برای چه خلق شده است؟ برای مسموم‌سازی یا شفابخشی جامعه؟ اگر برای شفابخشی است، برای رسیدن به آن ،چه راهی را باید بپیماید؟

بعد از نعمت شناخت خدا، نعمت شناخت راه کمال (یا همان دین) مهم‌ترین نعمت خداسـت، از همین روست که در روایات ما وارد شده است: اگر امر دایر شد بین اینکه انسان جان خود یا مال خود را بدهد، باید مال خود را فدای جان کند، اما اگر امر دایر شد بین فداکردن جان و دین، دین مهم‌تر است و باید جان (بلکه جان‌ها) را فدای آن کند؛ چرا که ارزش دین بیش از ارزش جان است.

البته نسـبت به دین دو نوع بینش وجود دارد، طبق یک نگرش، دین به این دلیل مطلوب و خوب اسـت که سـبب می‌شود تا جرم و جنایت کمتر شده، مردم درست کردار باشند؛ و لذا جامعه دینی برای زندگی کردن بسیار خوب می‌شود. در واقع طبق این نظر، اهمیت دین به آن اسـت که سـبب می‌شود تا انسان‌ها در این دنیا راحت‌تر زندگی کنند.

با وجود چنین آثاری برای دین،اما این نگرش ناشی از جهل نسبت به اهمیت دین است، در نگرش دوم برخی دین را به‌عنوان راه رسیدن به کمال و سعادت ابدی می‌دانند که دارای ارزشی بی‌نهایت و غیرقابل تصور است و نه محدود و در حد همین دنیا.

لزوم قدر شناسی از نعمت وجود امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی

زمانی می‌توانیم ارزش نهضت امام خمینی(ره) را بهتر بشناسـیم که متوجه شویم که چه عاملی سبب شده تا ما دین را بهتر بشناسیم، دین در جامعه ما زنده باشـد و بتواند در جامعه نقش آفرین باشـد؛ چرا که این امام(ره) بود که دین را در جامعه ما زنده کرد.

روزگاری در یکی از خیابان‌های تهران دهها مشروب‌فروشی، رقاص‌خانه، قمارخانه و فاحشـه‌خانه وجود داشت، اما یک کتاب‌فروشی وجود نداشت و محله بزرگی به فواحش اختصاص یافته بود. در آن زمان، نه تنها به دین بها داده نمی‌شد، بلکه اگر مثلا دانشجویی می‌خواست نماز بخواند، از دیگر دانشجویان خجالت می‌کشید و مورد تمسخر دیگران قرار می‌گرفت؛ چرا که دینداری عار به شمار می‌رفت. اگر آن وضع ادامه می‌یافت، معلوم نبود امروزه با توجه به این ابزارهای نوین فساد، چه چیزی از دین باقی مانده بود، چه رسد که دین در جامعه نقشی داشته باشد.

باید قدر نعمت امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی را دانست،اولین وظیفه به‌عنوان شـکر نعمت انقلاب اسلامی این است که حداقل این انقلاب را حفظ کرده و از آن نگهداری کنیم و این انقلابی که به قیمت تحمل شـکنجه‌ها، رنج‌ها، مجاهدت‌ها و شـهادت‌ها به ما رسیده است را مراقبت کنیم؛ و در مرحله بعد اگر دچار کمبودی هست، آن را جبران کنیم و زمینه بقاء و انتقال آن به نسل بعد را آماده کنیم.

فراموش کردن نعمت‌ها، از بزرگ‌ترین نقص‌های زندگی انسان‌هاسـت و باید مراقب باشیم که این نعمت‌ها را در پیچ و خم زندگی روزمره فراموش نکنیم،کسانی ممکن است سال‌های برای پیروزی انقلاب تلاش کنند، اما سر پیری فراموش کنند که اصلا چرا برای انقلاب زحمت کشیده‌اند، شکنجه‌ها و زندان‌ها را چرا تحمل کرده‌اند و اصلا انقلاب را برای چه می‌خواستند!

مطالعه و خواندن کتاب، برگزاری جلسات مذهبی، قرائت قرآن و توسل به اهل بیت(ع) راه‌های جلوگیری از فراموشـی نعمت‌های الهی است.از جمله این نعمت‌ها نعمت وجود رهبری است،شکر نعمت وجود رهبر معظم انقلاب را به‌جای آورید که جانشین امام زمان (عج) هستند و تجربه نشان داده که ایشان بهترین فرد برای رهبری انقلاب هستند. من کسی را در جامعیت شخصیت مانند ایشان نمی‌شناسم؛ مبادا که وسوسه‌های شیطانی و القائات برخی دشمنان و مشغله‌های زندگی، ما را از شکر وجود چنین نعمتی غافل کند و اطاعتمان از ایشان کمرنگ شود!

سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی (دام ظله) در دیدار با جانشینان فرماندهی انتظامی سراسر کشور؛ قم؛ ۹۵/۱/۲۳

زلال بصیرت روزهای پنج‌شنبه منتشر می‌شود.

پس از کش و قوس‌های فراوان

مجلس به اعتبارنامه تاجگردون رأی منفی داد

اعتبارنامه تاجگردون، با رای نمایندگان رد شد و با این حسـاب او دیگر نماینده مجلس یازدهم نخواهـد بود، نمایندگان معترض به اعتبارنامه تاجگردون می‌گویند اسناد و مدارکی دارند که نشان می‌دهد این فرد به مفاسد اقتصادی، رانت‌خواری، دست بردن در لایحه بودجه، سوءاسـتفاده از موقعیت نمایندگی و... مبادرت کرده است.

اعتبارنامـه غلامرضا تاجگـردون منتخب مردم گچسـاران در مجلس یازدهم دیروز رد شـد؛ موضوعی که در تاریخ مجالس ایران رخ داده اما به ندرت، آن هم نه به‌دلیل مشـکلات و مسائل اقتصادی. رد این اعتبارنامه نشان داد که مبارزه با فساد راهی سخت اما ممکن است.

از زمان آغاز بـه کار مجلس یازدهم یکی از پرحاشـیه‌ترین رخدادها، موضوع اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون بود؛ فردی که مستندات و اخبار زیادی از اتهامات سوءاستفاده‌ها، رانت‌ها و مفاسـد اقتصادی و اداری، دسـت بردن در بودجه‌های سالانه درباره او وجود داشت و سال‌ها در کسـوت نماینده مجلس و مسـئولیت‌های دولتی دیگر توانسته بود موقعیت خود را حفظ کند و ریاسـت کمیسـیون بودجه مجلس هم جایگاه اختصاصی او در مجلس قبل بود.

دستکاری در بودجه سال ۹۹ از مهم‌ترین حواشی اخیری بود که درباره این نماینده سابق مجلس مطرح بود و بارها با تذکر نمایندگان در همان دوره قبل همراه شد اما به هر حال بنای مجلس پیشین عبور از این مسئله مهم و نادیده گرفتن آن بود.

اعتبارنامه تاجگـردون در مجلس یازدهم مورد اعتراض علیرضا زاکانی، علی‌اکبر کریمی، روح‌الله نجابت، علی خضریان، سـیدنظام‌الدین موسوی، مجتبی رضاخواه، اقبال شاکری، احمد نادری و مالک شـریعتی قرار گرفته بود اما در جلسه ۲۰ خرداد شعبه ۱۲ مورد رسیدگی قرار گرفت و با ۹ رای موافق در مقابل ۷ رای مخالف تصویب شد، به این ترتیب در روز ۲۱ خردادماه سال جاری در صحن مجلس مطرح و در نهایت به کمیسیون تحقیق ارجاع شد.

بعد از آنکه در نشست علنی گزارش شعبه ۱۲ بررسی اعتبارنامه‌های منتخبان قرائت شد این گزارش با اخطار علیرضا زاکانی نماینده مردم قم مواجه شـده و بـا رای مثبت به آن اعتبارنامه غلامرضا تاجگردون منتخب گچساران همچنان تایید نشده باقی ماند.

او معتقـد بـود کـه مجلس بایـد درباره اعتبارنامه آقـای تاجگردون تصمیم‌گیری کند و موضوع استماع نیست و اگر این رویه اصلاح نشود پایه غلطی گذاشته می‌شود که در مجالس آینده هر فردی می‌تواند نهایتاً با تامین نظر ۱۰ نفر اعتبارنامه خود را تصویب کند که در این شرایط مجلس مسلوب‌الید می‌شود.

«محمدباقر قالیباف» رئیس مجلس شورای اسـلامی هم این اخطـار را پذیرفت و تصمیم گرفت که پس از رأی‌گیری از نمایندگان، مسیر تصویب اعتبارنامه آقای تاجگردون مشـخص می‌شـود. البته غلامرضا تاجگـردون منتخب مردم گچساران بعد از این تصمیم رئیس مجلس خطاب به وی اظهار داشـت: انتظار داشتم که قبل از رأی‌گیری عنایتی داشته باشید اما اراده شما به رأی گذاشتن اخطار بود که این موضوع برخلاف اظهارنظر سـخنگوی هیئت‌رئیسـه بوده اسـت اما تا امروز تـوکل به خدا کردم و حرفی نزدم.

حاشیه‌سازی‌ها

پاسـخ قالیباف و اکثریـت نمایندگان به تاجگـردون دعوت به پذیرش قانـون بود و با رای مثبـت نمایندگان به اخطار زاکانی این‌بار اعتبارنامه به کمیسیون تحقیق سپرده شد، این کمیسیون هم از حداکثر زمانی که می‌توانست برای بررسـی اعتبارنامه استفاده کند، استفاده کرد و روز سوم تیرماه اعلام کرد که اعتبارنامه تاجگردون در کمیسیون تحقیق تأیید شد. مدت زمانی که کمیسیون تحقیق مشغول رسیدگی به اعتبارنامه منتخب گچسـاران بود، هم روزهای بی‌حاشیه‌ای نبود.

در این مدت شـخص تاجگـردون هم در گفت‌وگویی حتی به رسانه‌هایی که اخبار مربوط به اعتبارنامه‌اش را پوشش می‌دادند هم واکنش نشان داد و با انتقاد از برخی رسانه‌ها حرف‌هایی زد که در واقع اتهامش را تایید می‌کرد. او تائید می‌کرد که در مقام رئیس کمیسیون بودجه با اعمال نظرات شـخصی و تخصیص بیت‌المال برای خود پوششـی برای اهداف شـخصی و ناصوابش ایجاد کرده است.

از سـوی دیگـر نماینـدگان معترض به اعتبارنامه تاجگردون خبر از عدم بررسی مدارک ارائه شـده از سـوی معترضان در کمیسیون تحقیق می‌دادند که البته کمیسیون تحقیق در این مـورد بیانیه صادر و اعلام کرد که مدارک بررسی شده است.

در این مورد علیرضا زاکانی نماینده مردم قم گفته بود: کمیسیون تحقیق به وظیفه خود عمل نکرد و ما حدود یک ساعت تیترهای مفسده‌های آقای تاجگردون را بیان کردیم و اسنادمان که بیش از ۲۰۰ صفحه بود را به کمیسیون تقدیم کردیم. هرچـه ما اصرار کردیم که می‌خواهیم بیاییم توضیح دهیم و حداقل ۵ سـاعت به ما فرصت دهید تا ابعاد مختلف اسناد را با حضور خود آقـای تاجگردون توضیح دهیم که امکان فراهم نشد.

دیـروز، چهارشـنبه ۱۸ تیـر مـاه روز سرنوشت‌سازی بود؛ هم برای تاجگردون که در مجلس یازدهم بماند یا برود و هم برای مجلس یازدهم که آیا اعتبارنامه منتخبی را با آن میزان از حواشی، مسـتندات، اتهامات مربوط رانت و فامیل‌بازی و دست بردن در بودجه‌های سالانه تصویب می‌کند یا رد.

به گـزارش خبرگزاری فارس، دیروز ابتدا نمایندگان در یک نشست غیرعلنی حدودا یک ساعته این موضوع را بررسی کردند؛ محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی بعد از پایان این نشسـت و در آغاز نشسـت علنی مجلس گفت: جلسـه دیروز مجلس شـورای اسـلامی از سـاعت ۸ و ۱۰ دقیقه صبح آغاز شده و تا زمانی که جلسه به‌صورت رسمی شکل بگیـرد پیرامون اعتبارنامه آقای تاجگردون ما بحث مطرح شد.

وی توضیح داد: در این جلسه نمایندگانی که به موضوع اعتراض داشـتند در ۱۵ دقیقه وقت خودشان مطالبشان را بیان کردند و آقای تاجگردون نماینده مردم گچساران هم به مدت ۳۰ دقیقـه نکاتی را که لازم بود نمایندگان در جریان آن باشند، مطرح کردند.

بعد از این توضیحات، گزارش کمیسـیون تحقیق در تائید اعتبارنامه تاجگردون قرائت شد و به رای مجلس گذاشته شد؛ وکلای ملت نهایتا بـا ۱۰۲ رای موافق، ۱۲۸ رای مخالف و ۲۱ رای ممتنع از مجموع ۲۵۱ رای ماخوذه با گزارش کمیسیون تحقیق که اعتبارنامه وی را تایید کرده بود، مخالفت کردند؛ براین اسـاس اعتبارنامه تاجگردون رد شـد و وی به مجلس یازدهم راه نیافت.

خبرنگار آمریکایی:

سلیمانی، فرمانده‌ای بود که نقشی محوری در مبارزه با داعش ایفا کرد

خبرنگاری آمریکایی ضمن اذعان به نقش محوری سردار شهید «قاسم سلیمانی» در تأمین امنیت منطقه، جنایت آمریکا در ترور وی را ادامه اقدامات غیرقانونی این کشور برای گسترش نفوذ خواند.

«کی پریتسکر» خبرنگار آمریکایی در مصاحبه با رادیو اسپوتنیک روسیه، به اظهارنظر درخصوص جنایت آمریکا در ترور و به شهادت رساندن سردار سپهبد حاج «قاسم سلیمانی» فرمانده شهید نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران پرداخت.

وی گفت: در بخش بزرگـی از تاریخ آمریکا، ما فقط برای منافع خود به کشورهای دیگر حمله کرده‌ایم تا حوزه نفوذ خود را برای قدرت گسترش دهیـم و دولت‌هایی را که دوسـت نداریم از میان برداریم، و درخصوص قاسـم سلیمانی هم همین مسئله صدق می‌کند.

پریتسکر افزود: او فرمانده‌ای بود که وجودش در مبارزه علیه داعش در عراق و تامین منافع امنیتی ایران در منطقه بسیار محوری بود. اما از نگاه آمریکا این‌طور اسـت که «اینجا قلمروی ماسـت... ایران چطور جرأت کـرده از مرزهای خود دفاع کند؟» این دیوانگی است.

این خبرنگار در ادامه گفت که امپریالیسم آمریکا در خارج از این کشـور با فقر در داخل آن ارتباط دارد. وی گفت: این همان مسـئله و همان چیزی است که [دکتر مارتین لوترکینگ] گفت. احتمالاً تعدادی از شنوندگان بدانند که او در سال‌های آخر زندگی منتقد سرسخت جنگ ویتنام بود و از جنبش ضدجنگ حمایت می‌کرد. او می‌گفت که بمب‌هایی که در ویتنام ریخته می‌شوند در شهرهای آمریکا منفجر خواهند شد.

وی در توضیح صحبت‌هایش گفت: منظور او (لوترکینگ) این بود که ما میلیاردها، صدها میلیارد اگر نگوییم تریلیون دلار اکنون و امروز برای ویرانی و کشتن مردم فقیر در کشورهای دیگر هزینه کرده‌ایم. مردمی که - بچه‌های سیاه‌پوسـت فقیر- به خارج کشور برای کشـتن مردم فقیرتر می‌فرستیم، به خانه و جامعه خود که بودجه ندارد و توسعه‌نیافته، برمی‌گردند، جایی که پلیس‌ها مانند هیولا با آزادی عمل بر این بچه‌ها سلطه دارند.

او این‌طور ادامه داد: طنزش این اسـت که ما مردم را به خارج از کشـور می‌فرستیم و می‌گوییم در حال گسترش آزادی هستیم، اما همان مردم که به آمریکا برمی‌گردند می‌فهمند اینجا حتی آزادی هم ندارند.

او در اشاره به اعتراضات اخیر در روز استقلال آمریکا گفت: در این خصوص مثال بهتری از چهارم جولای وجود ندارد، وقتی کشور در میانه این قیام است و مردم می‌پرسند: ما درباره آزادی برای همه می‌گوییم، هر کسـی این حق را دارد که به‌دنبال آزادی، اختیار و هر چیز دیگری باشـد؛ این آزادی برای چه کسی است؟ زیرا مردم در این کشور قطعاً احسـاس آزادی نمی‌کنند، به‌خصـوص همه آن افرادی که در دوره بحران «کووید-۱۹» شغل خود را از دست داده‌اند و قادر به پرداخت اجاره و تامین معیشت خود نیستند. چطور آزادی، وقتی چیزی برای خوردن نداری؟

جنایت آمریکا در ترور سردار سلیمانی نقض حقوق بشر بود

این در حالی است که دو روز پیش هم «اَگنِس کالامارد» گزارشـگر ویژه سـازمان ملل در حوزه ترورهای غیرقانونی و خودسرانه در دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر این سازمان نیز، جنایت آمریکا در به شهادت رساندن سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی را غیرقانونی خواند.

به نوشـته خبرگزاری «رویترز»، کالامارد در گزارشی ضمن رد کردن ادعاهای مقامات آمریکایی درباره دلیل ترور سردار سلیمانی، نوشت واشنگتن نتوانسـته مدارک کافی از تهاجـم قریب‌الوقوع یا در حـال انجام به منافعش را ارائه کند تا حمله به کاروان سـردار سلیمانی در نزدیکی فرودگاه بغداد را توجیه نماید.

وی در ادامه تأکید کرد که ترور سردار سلیمانی به همـراه «ابومهدی المهندس» معاون شـهید سازمان الحشدالشعبی در عراق و چند تن دیگر از همراهانشان، نقض منشور سازمان ملل متحد بود و خواستار اعمال قوانین حسابرسی و مقررات سخت‌تر درباره کشتار به وسیله پهپادهای تهاجمی شد.

این کارشـناس سـازمان ملل در گفت‌وگو با رویترز توضیح داد: «در حوزه اسـتفاده از پهپادها، جهان در برهه حساسـی و احتمالا نقطه بحرانی قرار دارد... شورای امنیت اقدامی [در این‌باره] انجام نمی‌دهد، جامعه جهانی نیز عامدانه یا سهواً ساکت مانده است.»

وی همچنین در این گزارش تصریح کرده است: «به‌دلیل نبود تهدید واقعی، مسیر اقدامی که آمریکا انجام داد، غیرقانونی بود».

پاسخ وقیحانه بولتون به اظهارات گزارشگر ویژه سازمان ملل

این در حالی اسـت که دیروز مشـاور سابق سـابق امنیت ملی آمریکا در واکنش به اظهارات اخیر گزارشـگر ویژه سازمان ملل که ترور سپهبد سـلیمانی به دست تروریسـت‌های آمریکایی را «نقض قوانین و حقوق بین‌الملل» خوانده، وقیحانه اعـلام کرد کـه آمریکا از شـورای حقوق بشـر خارج شده و پاسخگوی هیچ نهادی نیست.

«جان بولتون» مشاور سابق امنیت ملی آمریکا سه‌شنبه در پیامی توئیتری به اظهارات اخیر «اگنس کالامارد» گزارشـگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد که ترور سردار شهید سلیمانی و همراهانش به دست تروریست‌های آمریکایی در فرودگاه بغداد را «غیرقانونی» و «نقض حقوق بین‌الملل» بیان کرده بود، واکنش نشان داد.

بولتون در صفحه رسمی خود در توئیتر درباره اظهارات اخیر کالامارد، نوشت: انتقاد جدید از سوی حقوق بشر سازمان ملل متحد که حمله به سردار شهید سلیمانی را غیرقانونی خوانده، بی‌اساس است. دقیقاً به همین دلیل است که ما از شورای حقوق بشر سازمان ملل خارج شدیم. ما پاسخگوی هیچ قدرت بالاتری در سازمان ملل متحد نیستیم و نیازی هم نداریم که کسی به ما درباره نحوه اجرای قانون اساسی آمریکا مشاوره بدهد!

از سوی یک پایگاه آمریکایی انجام شد

افشای هویت جعلی ۱۹ مقاله‌نویس علیه ایران

یک پایگاه آمریکایی هویت شـبکه‌ای متشکل از ۱۹ نویسنده و تحلیلگر جعلی را که مطالب ضدایرانی در تارنماهای محافظه‌کار آمریکا تولید می‌کردند، افشا کرد.

تارنمای آمریکایی دیلی‌بیسـت در گزارشی پژوهشی، شـبکه‌ای متشکل از ۱۹ هویت جعلی در شـبکه‌های اجتماعـی را شناسـایی کرد که اقـدام به تولید بیش از ۹۰ مقاله در نشـریه‌های محافظه‌کار آمریکا با محوریت خاورمیانه و متمرکز بر ایران‌ستیزی کرده‌اند.

یکی از این هویت‌های جعلی «رافائل بدانی» نام دارد که خود را مشـاور ژئوپلیتیک و تحلیلگر ارشد روابط بین‌الملل معرفی کرده است، اما تصاویر پروفایل خود را از وبلاگ یک بنیانگذار استارتاپ در سن‌دیگو به سرقت برده و اطلاعات تحصیلی‌اش در شبکه‌های اجتماعی جعلی است.

این هویت جعلی در بسـیاری از نشـریه‌ها و تارنماهای محافظه‌کار آمریکایی از جمله نیوزمکس، واشنگتن اگزماینز، ریل کلیر مارکتز، امریکن تینکر و نشنال اینترست مطالبی را با محوریت موضوعاتی نظیر «چگونه عراق خود را از شر ایران خلاص کند» و یـا «چگونه امارات متحده عربی جزیره ثبات در منطقه‌ای آشفته است» منتشر می‌کند.

به نوشـته دیلی‌بیست، بدانی حلقه‌ای از یک شبکه با دسـت‌کم ۱۹ شخصیت جعلی است در سال گذشـته بیش از ۹۰ مطلب تحلیلی در ۴۶ نشـریه متفاوت منتشر کرده‌اند که وجه مشترک آنها ستایش امارات و تبلیغات برای اتخاذ سیاست سختگیرانه از سوی واشنگتن علیه قطر، ترکیه، ایران و گروه‌های مورد حمایت ایران در منطقه است.

شـبکه اجتماعی توییتر روز دوشـنبه پس از انتشـار این مطلب اینترسـپت، حساب کاربر «بدانـی» را به همراه ۱۵ حسـاب کاربری جعلی دیگر را تعلیق کرد.

این شبکه همچنین مقالاتی با محتوای انتقادی علیه قطر و با محوریت تشدید تحریم‌های ایران در نشریه اینترنتی Human Events و روزنامه‌ها و نشریات آنلاین صهیونیستی و عربی مثل جروزالم پست، العربیه و روزنامه‌های آسیایی مثل «ساوث چاینا مورنینگ پست» منتشر کرده است.

براساس گزارش دیلی‌بیست، هویت‌های جعلی در این شبکه الگوی مشابهی از رفتار آنلاین داشتند؛ آنها عمومی با تارنماهای «عرب آی» (the Arab Eye) و «پرشیا نَو» (Persia Now) مرتبط بوده و حساب کاربری توییتر خود را در ماه‌های مارس یا آوریل ۲۰۲۰ گشوده بودند.

این هویت‌های جعلی خود را سـاکن یکی از پایتخت‌های اروپایی معرفی کرده و سوابق تحصیلی جعلی با یک حساب کاربری جعلی در لینکدین را به خود نسبت داده بودند و برای تصاویر پروفایل‌های خود عکس افراد دیگر را برای جلوگیری از امکان جست‌وجوی تصاویر مشابه، دستکاری کرده بودند و مطالب یکدیگر را در شبکه‌های اجتماعی تبلیغ می‌کردند.

«لین نگویان» یکـی دیگر از این هویت‌های جعلی اسـت که خود را کارشناس امنیت آسیای جنوبی معرفی کرده بود و به همراه هویت جعلی دیگری با عنوان «سـیندی شین» درباره مسایل آسیای شرقی مطالبی می‌نوشت.

اما اعضای این شبکه به سرعت محوریت مطالب خود را از مناطق گوناگون جهان به خاورمیانه تغییر دادند. تارنماهای «عرب آی» و «پرشیا نَو» در ماه فوریه ایجاد شده و اقدام به جذب نویسنده کردند. مشخصات فنی این دو تارنما حاکی از آن است که از یک جا کنترل می‌شوند و جعلی هستند.

تارنمای «پرشیا نَو» در قسمت تماس خود یک نشانی از لندن ثبت کرده که وجود خارجی ندارد و شـماره تلفنی داده که هرگز پاسخ داده نمی‌شود. مسئولان این تارنما با نام‌های «شریف اونیـل» و «تیمور هال» هیچ رد و نشـانی در اینترنت ندارند.

به گزارش ایرنا، سـال گذشـته نیز تارنمای اینترسـپت در گزارشـی به افشای هویت جعلی کاربری به نام «حشمت علوی» پرداخت که مشخص شـد به گروهک منافقین مرتبط است و مطالب ضدایرانی در رسانه‌های آمریکایی منتشر می‌کند.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

سند همکاری ایران و چین هنوز نیامده صدای آمریکا را درآورد

بقیه از صفحه ۲

رویکرد نگاه به شرق از یکسو پاسخی به این عدم حسن نیت اسـت که تفاهم درازمدت راهبردی بـا چین می‌تواند بخشـی از آن باشد و از سوی دیگر محملی است برای حفظ منافع ملی ایران و مقابله با تحریم‌هایی که کشـورهای غربی عامل آنها هستند.

دیروز روسیه، امروز چین

طبیعی است که توسعه روابط چین و ایران به هیچ عنوان خوشـایند واشنگتن نیسـت اما موضع‌گیری‌های شاذ عقبه رسانه‌ای غرب درخصوص خبر تصویب پیش‌نویس تفاهم‌نامه ۲۵ ساله ایران و غرب، مورد دیگری را در اذهان زنده می‌کند و آن هم همکاری ایران و روسیه در جریان نبرد با تروریست‌های تکفیری در سوریه بود.

در ماجـرای فرود و سـوخت‌گیری بمب‌افکن توپولف-۲۲ام روسـی در پایگاه شهید شاهرخی همدان برای بمباران تروریست‌ها در سوریه نیز ناگهان یک جنجال گسترده خبری با حمایت رسانه‌های خارجی و برخی از رسانه‌های داخلی برپا شد. اعتراضاتی که عمدتاً ناشی از کم‌اطلاعی درباره وظایف و اختیارات شـورای عالی امنیت ملی است. جالب این است که «جان کری» وزیر خارجه وقت آمریکا ضمن اعلام خطر درباره چنین تحرکاتی، از ضرورت تحریک احساسات ملی ایرانیان در مقابل گسترش روابط دوطرفه ایران و روسیه سخن می‌گوید.

حال سؤال این است که چرا وزیر امور خارجه آمریکا باید از گسترش روابط ایران و روسیه احساس خطر کند و از تحریک احساسات ملی ایرانی‌ها سخن بگوید؟ اکنون و در مورد روابط ایران و چین هم دقیقاً همین الگو در حال تکرار است.

نگاه به شرق

به گزارش فارس، ایران به‌صورت بالقوه این توانایی را دارد که جریان انرژی به سمت شرق را با همکاری چینی‌ها تضمین کند چنان‌که برای اولین بار یک رزمایش سه‌جانبه بین ایران، چین و روسـیه در بندر چابهار برگزار شد. علاوه‌بر این، ایران همانند چین درخصوص عدم دخالت قدرت‌های بزرگ در امور داخلی کشورها هم‌نظر و خواهان به‌وجود آمدن نوعی از نظام چندقطبی در دنیا است. کنار گذاشتن تمام قطعات این پازل نشان می‌دهد که جهت‌گیری حرکت ایران به سمت شرق کاملاً درست و بجا بوده است.

تعامل آلمان با چین

پولیتیکو در گزارشی نوشت: با افزایش تنش میان آلمان و آمریکا برسر تجارت و امنیت؛ آلمان‌ها چرخش بیشتری به شرق داشـته‌اند. همچنین آلمان نسبت به همپیمانان غربی خود واکنش ملایم‌تری به اقدامات چین از جمله در ماجرای هنگ‌کنگ یا کرونا داشته است.

این نشریه آمریکایی در ادامه نوشت: مرکل در هفته‌های گذشته گفته بود روابط با چین از اهمیت استراتژیک برخوردار است.

پولیتیکو تصریح کرد: از زمان بحران مالی سـال ۲۰۰۸ که تقاضا از سـمت آمریکا کم شد آلمان برای صادرات، نگاه خود را به چین دوخت؛ بطوریکه هم اکنون یک سوم تجارت اتحادیه اروپا با چین در اختیار آلمان است.چین و اتحادیه اروپا قرار است یک توافق نامه تجاری امضا کنند که هدف اصلی آن بهبود شرایط شرکت‌های اروپایی به‌ویژه آلمانی‌ها در چین است.

آزمون چین و آمریکا در کرونا

پس از شـیوع کرونـا، آمریکا و اروپا به هیـچ عنوان از تحریم‌های ضدایرانی کوتاه نیامـده و حتی کرونا را بهانه‌ای برای امتیازگیری جدید از ایران قرار دادند. اما در سوی مقابل، دولت چین با حسن نیت برخورد کرده و اقدامات قابل توجهی انجام داد.

در برهـه‌ای که اروپایی‌ها با اقدام توهین آمیز و مغرضانه «حضور پزشکان بدون مرز»، در پی اجرای اقدامات ضدایرانی بودند. محموله‌های اقلام بهداشتی یکی پس از دیگری از چین وارد ایران شد.

در فروردیـن ماه یک منبع آگاه در وزارت بهداشـت در مصاحبه با ایسنا گفته بود محموله گروه اعزامی‌سازمان پزشکان بدون مرز، ارزشی کمتر از ۲۰ هزار دلار داشته و اقلام اهدایی آن تنها شامل ۱۰۰۰ عدد ماسک و تعدادی گان پزشکی بود. این گروه یک چادر برای برپایی بیمارستان ۴۰ تخت‌خوابی همراه داشتند که جزو اقلام اهدایی نبوده و بصورت امانی بود. همچنیـن هیچ متخصصی مرتبط با ویروس کرونا نیز همراه این گروه نبوده است.

در همان مقطع، محمد کشاورززاده، سفیر ایران در پکن گفته بود:«تاکنون کمک‌های دولتی و مردمی چین با ۲۸ پرواز طبق جدول پیوست از شهرهای پکن، شانگهای و گوانجو به کشورمان ارسال شده است...بیش از ده میلیون ماسک، ۵۰۰ هزار کیت تشخیص کرونا، ۳۰۰ هزار جراحی و لباس ایزوله، دو میلیون و ۲۰۰ هزار دسـتکش، ۳۵۰ ونتیلاتور، ۵۰۰ اتاق پیش ساخته بیمارستانی و انواع دارو و تجهیزات بیمارستانی از جمله این کمک‌ها می‌باشد». همان‌طور که پیش از این نیز ذکر شـد، توسعه روابط چین و ایران به هیچ عنوان خوشایند واشنگتن نیست. برای همین رسانه‌های دولت آمریکا و پادوهای رسانه‌ای واشنگتن در حال هجمه به این تفاهم‌نامه هستند.

نگاهی به دیروزنامه‌های زنجیره‌ای

ندیدن طمع نفوذی‌ها و جولان دلالان و ربط دادن گرانی دلار به FATF!

سرویس سیاسی -

محمدرضا بادامچی، نماینده عضو فراکسیون امید در مجلس دهم در مصاحبه با روزنامه آرمان گفت: «آنچه در روزهای اخیر در مجلس یازدهم مشاهده شد به‌نحوی به‌علت عدم پذیرش واقعیت‌ها رقم خورده است. بزرگ‌ترین آفتی نیز که امروز مجلس یازدهم را تهدید می‌کند عدم توجه به واقعیت‌های روز کشور در عرصه داخلی و خارجی است. مجلس یازدهم باید در راستای فهم این واقعیت‌ها تلاش کند، به جای اینکه به‌صورت صوری و شعاری با آنها برخورد کند. برخورد نمایندگان مجلس یازدهم با وزیر امور خارجه به‌هیچ‌وجه در شان آنها نبود. این قبیل برخوردها و موضع‌گیری‌ها نیز به علت عدم توجه به واقعیت‌ها است.»

بادامچی در ادامه گفت: «این روزها وضعیت ناخوشـایند ارزی در کشـور به علت عدم ورود ارز به کشور است. متاسفانه چشـمان خود را بر این قضیه بسـته‌اند و نمی‌خواهند باور کنند که عدم تصویب FATF باعث شـده است تا ارتباطات مالی کشور با جهان قطع شود و امروز در این عرصه با مشکل مواجه شده‌ایم. این بدیهی است که عدم تایید مصوبات در داخل امروز کانال‌های مالی کشور را دچار انسداد کرده است. امروزه دلار پایه پولی بسیاری از کشورهای جهان است و هنگامی که مسیر ما برای وارد کردن آن مسدود شود قطعا به مشکل بر خواهیم خورد و هر دولت دیگری نیز امروز بر سر کار بود با توجه به این شرایط همین مشکل را در پیش داشت.»

این نماینده سابق مجلس که همقطارانش، سلفی حقارت و تشکیل کمیته رفع حصر و دفاع از قرارداد توتال و حمایت از آخوندی-وزیر ناکارآمد راه و شهرسازی- را در کارنامه خود ثبت کرده‌اند، همزمان با بزک عملکرد غیر قابل دفاع دولت، افزایش افسار گسیخته دلار را به FATF ربط داده است.

حامیان FATF این‌گونه القاء می‌کنند که ایران تاکنون ارتباطی با این سـازمان نداشـته و اگر در آینده به آن بپیوندد و دستورات آن را اجرایی کند، فتح الفتوحی اقتصادی رخ خواهد داد.

این ادعا در حالی است که دولت و وزارت خارجه در اقدامی تأمل برانگیز از سال ۹۵ تاکنون ۳۹ بند از ۴۱ بند تعهداتی را که مخفیانه به FATF داده‌اند و به عبارتی بیش از ۹۵ درصد دستورات FATF را اجرا کرده‌اند.

با این حال نه تنها گشایشـی در امور بانکی ایجاد نشـده، بلکه اجرای ۹۵ درصدی دستورات FATF به التهابات بازار ارز دامن زده است.

برای نمونه در سال ۹۷ واحد اطلاعات مالی ایران در اقدامی عجیب و بر طبق تعهدات ایران در FATF لیست صرافی‌هایی را که به نوعی تحریم‌ها را دور می‌زدند، به واحد اطلاعات مالی طرف‌های خارجی ارائه داد که این امر منجر به شناسایی این صرافی‌ها و ایجاد بحران ارزی در کشور شد.

وضع موجود نتیجه دل بستن به آمریکاست نه آمریکاستیزی

روزنامه سازندگی در یادداشتی نوشت: «وضع موجود، هرچه هست، خوب یا بد، اسفناک یا قهرمانانه، نتیجه منطقی آن ایدئولوژی آمریکاستیزانه/ ضد استکباری است که جناب خوئینی‌ها از بنیانگذارانش بودند و نمی‌توانند بدون نقد خود از وضع موجود انتقاد کنند.»

نویسنده در ادامه افزوده است: «شاید بگویید جناب خوئینی‌ها منتقد وضع سیاسی داخلی است و اصلا منازعات داخلی ما چه ربطی به آمریکا دارد. اما می‌توانم اثبات کنم سیاست ایران، داخلی و خارجی معلول و محصول ایدئولوژی آمریکاستیزانه اسـت؛ تأکید می‌کنم از جمله سیاسـت داخلی، از مسئله بزرگی چون نظارت استصوابی تا مسائل جزئی مانند خبرنویسی و سریال‌های تلویزیونی!»

مدعیان اصلاحات که درخصوص نامه اخیر موسوی خوئینی‌ها، با سیاست یک بام و دوهوا، یکی به نعل می‌زنند و یکی به میخ! سعی می‌کنند در هر موضوعی نعل وارونه زده و درخصوص مشکلات کشور بگویند ابر و باد و مه و خورشید همه مقصرند الا روحانی! اتفاقا وضع امروز کشور نتیجه ناکارآمدی دولت و البته دل دادن به کدخدا و بی‌توجهی به ضرورت آمریکاستیزی است.

تبعیض از دید زنجیره‌ای‌ها

روزنامه شرق در شماره دیروز خود گفت‌وگویی با سیدمصطفی‌هاشمی طبا انجام داده است. این مصاحبه پیرامون اساسنامه کمیته ملی المپیک بوده است. در بخشی از این مصاحبه روزنامه شرق پرسیده است: «پس مسئولان فعلی روی چه حسابی این کار را کرده‌اند؟ وقتی منشـور المپیک ورزش را از سیاسـت جدا می‌داند، باید کارشناسان ورزشی هم موارد آن را اصلاح کنند یا تغییر دهند.»

وهاشمی طبا در پاسخ گفته است: «بله، همین‌طور است. این کار یک اشتباه بزرگ است. در قانونی که مجلس وضع کرده، آمده که اساسنامه فدراسیون‌های ورزشی باید به تأیید هیئت‌دولت برسد. گیری هم که فدراسیون فوتبال در حال حاضر دارد، همین است. دولت باید آن را تأیید کند. شما هیچ جای دنیا را پیدا نمی‌کنی که اساسنامه کمیته ملی المپیک آنها به تأیید مجلس و دولتش برسد. هر زمان که مجلس در مورد کمیته ملی المپیک قانونی را وضع کرد، آن‌وقت باید به شورای نگهبان برود!»

همچنین در ادامه شرق پرسیده است: «این‌طور استنباط می‌شود که مهم‌ترین ایرادی که شورای نگهبان به این اساسنامه گرفته درباره عبارت «دور بودن کمیته ملی المپیک از هرگونه گرایش‌های نژادی، مذهبی، سیاسی» است که به موضوع رقابت ورزشکاران ایرانی با نماینده‌های اسرائیل مربوط می‌شود. به نظر شما این‌طور نیست؟»

هاشمی طبا در بخشی از پاسخ خود به این روزنامه می‌گوید: «ما سال‌ها در کمیته با حفظ چارچوب‌ها کار کردیم؛ بدون اینکه مشـکلی به وجود بیاید. من درباره موضوع مقابله با اسـرائیل هم به وزارت ورزش‌وجوانان پیشـنهاد دادم که به کمیته بین‌المللی المپیک بگویند اسرائیل را از عضویت IOC اخراج کنند. چون اسرائیل در همه امور و مسائل تبعیض‌آمیز رفتار می‌کند.»

در پایان شرق عنوان کرده است: «بعید است کمیته بین‌المللی چنین کاری را بکند، چون خودش دارد می‌گوید منشور المپیک تبعیض را نمی‌پذیرد.» وهاشمی طبا در پاسخ گفته: «اینکه بپذیرد یا نپذیرد، بحث دیگری است. ما باید وظیفه خودمان را انجام بدهیم.»

نکته نخست آنکه زنجیره ای‌ها در حالی دائما بر طبل غیرسیاسی بودن ورزش می‌کوبند که بارها شاهد رفتارهای تبعیض‌آمیز سیاسی از سوی نهادهای ورزشی بین‌المللی و یا غربی بوده‌ایم. یکی از تازه‌ترین موارد آن به رقابت‌های کره جنوبی باز می‌گردد که شرکت سامسونگ به بهانه تحریم بودن ایران به ورزشکاران کشورمان تبلت‌های اهدایی به همه ورزشکاران حاضر در آن رقابت‌ها را نداد.

دومین نکته آنکه عدم رویارویی با ورزشکاران رژیم غاصب و مجعول صهیونیستی امری سیاسی نیست. در این مقال‌اندک امکان استدلال در این باره نیست اما به همین میزان بسنده می‌کنیم که این اقدام بیشتر به یک امر انسانی و اجتماعی نزدیک است. این حداقل کاری است که یک انسان می‌تواند در مقام دفاع از همنوعان خویش که مورد وحشیانه‌ترین ظلم‌ها قرار گرفته و از خانه و کاشانه خود آواره شده‌اند انجام دهد.

سومین نکته اینکه متاسفانه روزنامه زنجیره‌ای شرق هم رفتارهای تبعیض‌آمیز رژیم آپارتاید صهیونیستی را گویا نمی‌بیند که در جایی از سؤالاتشان می‌گویند: «منشور المپیک تبعیض را نمی‌پذیرد» یعنی عملا این روزنامه می‌گوید خود را به ساده‌لوحی کودکانه بزنیم و در بازی‌های المپیک مثلا عدم تبعیض را بپذیریم اما در حقیقت و واقعیت عالم و در برابر چشمانمان یک رژیم مرزهای تبعیض نژادی و مذهبی را جابه‌جا کند!

روی با وجدان‌ها! و پاک فطرت!های عالم را سفید کردید

عباس عبدی از فعالان سیاسی مدعی اصلاحات روز گذشته در مطلبی در روزنامه اعتماد درباره اظهارات ظریف در مجلس شـورای اسلامی نوشـت: «مهم‌ترین نقد به آقای ظریف این است که مگر او تعیین‌کننده سیاست خارجی کشور است که از آن دفاع می‌کند؟ اگر هست که با این دفاع ضعیف نشان داد که این سیاست قابل دفاع نیست، ولی اگر نیست آیا می‌توانست میان وظیفه اجرایی خودش و سیاست‌گذاری در امر سیاست خارجی تمایز قایل شود و این دو موضوع را برای مخاطب روشن کند؟ پاسخ منفی است.»

گفتنی است، دولت روحانی پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری با مشارکت و همکاری مدعیان اصلاحات و شبکه زنجیره‌ای رسـانه‌ای شان، کشـور را در وضعیتی قراردادند و آنچنان مذاکره با آمریکا را برای ادامه حیات سیاسی و اقتصادی کشور ضروری جا زدند و از رفع تحریم‌های آمریکا تا حل مشکل بیکاری و مسکن و اشتغال و حتی آب خوردن مردم را به این توافق گره زدند و به عبارتی معیشت مردم و اقتصاد کشور را گروگان برجام گرفتند تا آن را به ثمر برسانند، که هرگونه انتقاد یا مخالفتی با آن به منزله مخالفت با رفاه و آسایش مردم و آبادانی ایران تعبیر می‌شد.

آنها همچنین پس از توافقی نا متوازن، یکطرفه و خسارت بار با آمریکا آن را فتح الفتوح، توافق قرن و.. نامیدند، از ظریف به عنوان قهرمان دیپلماسـی یاد کردند، روحانی در آن فضای هیجانی و مسـخ‌کننده‌ای که رسانه‌های اصلاح‌طلب در فضای عمومی کشور درباره برجام ایجاد کرده بود، خود را مسئول تام و تمام مذاکره با آمریکا نامید تا افتخار آن منحصر به دولت او و تیم سیاست خارجی اش باشد. دولت آقای روحانی آنچنان ذوق زده و خوشحال از توافقی که کرده بودند، نابودی دستاوردهای هسته‌ای (بتن ریزی در قلب راکتور، تخریب چندهزار دستگاه سانتریفیوژ و اکسید کردن چندین کیلو اورانیوم غنی سازی شده) را حتی زودتر موعد مقرر در توافق آغاز و به سرانجام رساندند که بهت و حیرت ناظران آژانس را هم برانگیخته بود. با این حال اما امروز که تشت رسوایی برجام افتاده و دستاوردشان از برجام بازگشت همه تحریم‌ها به اضافه ده‌ها تحریم جدید دیگر و دلار ۲۱ هزارتومانی، سکه ۱۰ میلیونی و وضعیت اسفبار معیشت مردم شده است، از زیر بار مسئولیت آن شانه خالی می‌کنند و آن را به رهبری نسبت می‌دهند تا پاسخگوی خسارت‌ها و هزینه‌های سنگین آن به یک ملت ۸۰ میلیونی نباشند.

این درحالی است که موضع رهبر معظم انقلاب از ابتدای مذاکرات تا به امروز کاملا شفاف و روشن بوده است. ایشان خرداد سال گذشته در جمع دانشجویان صراحتا فرمودند: «من به برجام به صورتی که عمل و محقق شد خیلی اعتقادی نداشتم و این را به رئیس‌جمهور و وزیر خارجه هم گفتم.»

ایشان تاکید کردند: «شما چشم و گوش دارید. نامه‌ای که من نوشتم را ببینید. ببینید تصویب برجام چه شکلی بوده و چه شرایطی داشته است. اگر آن شرایط اعمال نشد وظیفه رهبری این نیست که بگوید برجام نباید باشد. عقیده من این است که رهبری در زمینه‌های اجرایی نباید ورود کند مگر جایی که به حرکت کلی انقلاب مربوط است.»

چند بار باید برجام را حل کنید تا اقتصاد سامان یابد؟!

روزنامه شرق در شماره دیروز خود گفت‌وگویی مفصل را با عباس آخوندی، وزیر سابق راه و شهرسازی منتشر کرد. در این مصاحبه آخوندی گفته است: «اکنون نظم دیگری که در حال توسعه و تبلیغ است را شاهدیم مبتنی بر فردگرایی افراطی و حتی به شکل مذمومِ آنکه در غرب هم مورد نکوهش است؛ خودخواهانه و غیرمسئولانه. گاهی به همین نظمِ نو رنگ و لعاب خوش‌نقشی هم با عنوان «جَوان‌گرایی» داده می‌شود که تمام انباشتِ تجربی پیشین ایران را زیر سؤال می‌برد! اینَ دو هیچ تناسب و سنخیتی با یکدیگر ندارند و با یکدیگر در تزاحم هستند. ولی هرَ دو همزمان در رسانه ملی مورد ستایش و پیگیری قرار می‌گیرند.»

آخوندی به شـرق گفته اسـت: «...امکان مبادلات مالی با جهان دچار تنش می‌شود، مسـئله FATF به وجود می‌آید و... درحالی‌که اگر مبنای، نظم اجتماعی مبتنی بر تمدن ایران بود، اصل سیاست‌گذاری می‌شد حل مشکلات مبادله با جهان ولی چون از آموزه‌های تمدنی عدول شده است، ایجاد مانع، ارزش می‌شود و مورد ستایش قرار می‌گیرد و رفع مانع، ضد ارزش، این دقیقا برخلاف ارزش‌های تمدنی و نظام معرفتی ماست.»

وی در جایی دیگر از این گفت‌وگو چنین تشریح کرده است: «قیمت‌های متصاعد روزانه ناشی از تورم در کشور را ملاحظه می‌کنید که بی‌سابقه است، چون تجارت و مبادله با جهان متوقف شده است [!!]... حال به این، انتظارات تورمی را هم اضافه کنید، ببینید چه می‌شود. مدیران ما می‌خواهند هیچ‌یک از این عامل‌ها را تغییر ندهند و نتیجه متفاوت بگیرند. خب، غیرممکن است. برای حل این معضل باید مسئله مبادلات با جهان را حل کنیم، تجارت با دنیا را حل کنیم، موضوع FATF و برجام را حل کنیم.»

نخست آنکه عباس آخوندی، زمان قابل توجهی (۶سال) وزیر راه و شهرسازی بوده است. به قول وی دانش اقتصادی آنچنانی هم نیاز نیست برای آنکه بدانیم نسبت میان عرضه و تقاضا یکی از اصلی‌ترین علل افزایش یا کاهش قیمت‌ها است. آخوندی در حالی علیه جوانگرایی سخن گفته که در دوره پیش از او وزیر جوان راه و شهرسازی (علی نیکزاد) در ۸ سال پروژه تقریبا ۲میلیون خانه را کلید زد که تا پایان دولت قبل قریب به یک میلیون و ۲۰۰هزار خانه تکمیل و به صاحبانشان داده شد و ۹۰۰ هزار واحد مسکونی نیز به صورت نیمه ساخته به دولت تدبیر و امید و وزارتخانه عباس آخوندی تحویل داده شد.

این فرد در زمان کسـب رای اعتماد از مجلس، خود را متعهد به اتمام پروژه مسـکن مهر عنوان کرد اما پس از رسـیدن به کرسـی وزارت، مسـکن مهر را «مزخرف» خواند و همان پروژه‌های نیمه تمام را نیز به پایان نبرد تا ۹۰۰هزار خانواده طعم صاحبخانه شدن را بچشند. در مقابل کارنامه ۸ ساله نیکزاد، آخوندی در ۶ سال وزارتش یک آجر روی آجر نگذاشت و حتی به نساختن خانه افتخار کرد.

روزنامه اصلاح‌طلب شرق به جای آنکه از او بپرسد بازار امروز مسکن تبعات ۶ سال شیوه و منش او در وزارت راه و شهرسازی است، با او به آسمان و ریسمان بافتن پرداخته است. نکته تعجب آور آنکه آخوندی گفته است: باید موضوع برجام را حل کنیم!! باید پرسید آقای آخوندی چندبار باید برجام را حل کنید تا وضع اقتصاد سامان یابد؟! یا اینکه در روشی جدید آخوندی فرافکنی با FATF را برای موضوع مسکن پیش گرفته است!